

ای خداوند جان و خرد، هنگامی که
تورا با نیروی خرد و اندیشه‌ی ژرف
جست و جو کردم و با دیده‌ی دل
نگریستم، دریافتم که تویی سراغز
و سرانجام همه چیز: تویی
سرچشمه‌ی خرد و اندیشه و تویی
آفریننده‌ی راستی و پاکی و تویی
داور کردار مردمان جهان.
گات ها ۹۰۳۱



روانشاد جهانگیر یگانگی دبیر دبیرستان فیروز بهرام
دهه ۴۰ و ۵۰

در صفحات دیگر

سختنوی سازمان فروهر:

طرح گسترش زمین ورزشی در کوشک ورجاوند به زودی اجرا می شود

- ۷ گزارش من و جاده و خاطره یک سفر
- ۱۴ ادب و هنر
- ۱۴ نوشتار
- ۵ حکمت از دیدگاه گاتها
- ۶ چکاچک
- ۶ عذر می خواهم اشتباه شد!
- ۳ مردم
- ۳ یادها و یادگارا

همایش جوانان

زرتشتی ایران در

کرمان برگزار

خواهد شد



در زیارتگاه پیر هریشت اردکان برگزار شد:

آیین مذهبی هیروما

پس از حدود شش ماه

با تعیین سردفتر، دفتر خانه ازدواج در تهران بازگشایی می شود

منابع

پرسش‌های دینی

اقلیت‌ها در

آزمون سراسری

۸۱ مشخص شد

سخن‌نفت

شاید روزی که آن سیاستمدار فرانسوی فریاد زد: «مطبوعات رکن چهارم دموکراسی هستند». هیچ کس نمی‌توانست عمق گفته او را درک کند. اما امروز با همه تحولاتی که در جهان رخ داده است نه تنها اندیشمندان و سیاستمداران بلکه همه مردم به این باور رسیدند که مطبوعات چشم بینا و گوش شنوای جوامع هستند.

در واقع امروز میزان سنجش دموکراسی در هر جامعه‌ای وجود نشریات با خط مشی‌ها و سیاست‌های مختلف، متفاوت، اما آزاد و سنجیده است. در این راستا ما نیز طی چند سال اخیر شاهد رشد کمی و کیفی مطبوعات در جامعه بوده ایم، هر چند که در برخی مقاطع تعطیلی و... را نیز شاهد بوده ایم اما همه این‌ها شرط توسعه است و برای هر توسعه‌ای باید بهایی پرداخت.

خوشبختانه جامعه زرتشتی نیز در این روند و تحول با جامعه‌ای بزرگ همراه بوده و طی یکی دو سال گذشته شاهد انتشار چندین نشریه بودیم که همه اینها حکایت بالندگی و پویایی جامعه است. جامعه‌ای که با وجود اقلیت بودن ویا تکیه بر پشتوانه فرهنگی-اجتماعی خود گام به گام با جامعه بزرگ جلو می‌رود، هر چند که مشکلات بسیار است.

واقعیت این است که هنوز برخی از مسوولان و دست‌اندرکاران جامعه‌ی زرتشتی ظرفیت انتقاد پذیری را در خود ایجاد نکرده‌اند، هنوز اصل حضور یک نشریه را نپذیرفته‌اند و هنوز به جای پاسخ‌گویی در قبال مردم و جامعه به مقابله با نشریه‌ی خط‌مشی‌ها و... آن می‌اندیشند.

روند توسعه ادامه دارد و در واقع شرط بقا، در جهانی که در هر ثانیه آن اختراعی به ثبت می‌رسد بزرگ‌اندیشی، تحمل، گفتگو و... است. ما به این می‌اندیشیم.

منابع پرسش‌های دینی اقلیت‌ها

در آزمون سراسری ۸۱ مشخص شد

منابع پرسش‌های دینی اقلیت‌ها در آزمون سراسری سال ۸۱ که در روزهای ۱۳ تا ۱۵ تیرماه برگزار می‌شود مشخص شد.

پرسش‌های درس بینش دینی ویژه اقلیت زرتشتی در تمام گروه‌های آزمایشی از کتاب‌های مشترک تعلیمات دینی و اخلاق (بخش مشترک) کد ۲۲۲/۲ که در سال دوم تدریس می‌شود، تعلیمات ادیان الهی و اخلاق (بخش مشترک) کد ۲۵۱/۲ که در سال سوم تدریس می‌شود و بخش‌های ۲، ۱، ۳، ۴، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۲ بینش دینی چاپ سال ۶۳، کد ۲۸۵ که در دوره پیش‌دانشگاهی تدریس می‌شود، گزیده خواهد شد. همچنین منابع پرسش‌های کتاب‌های ویژه دینی زرتشتی از کتاب‌های سال دوم و سوم خواهد بود.

پس از ۴۶ روز تعطیلی

نشست هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران برگزار شد

وی در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت: ۴۶ روز است که نشست هیات مدیره تشکیل نشده است اما شاهد عقد قراردادهایی هستیم و این نشان می‌دهد که انجمن قائم به هیات مدیره نیست.

در ادامه رستم آبادیان رییس هیات مدیره، گزارشی از دیدار چند تن از هموندان انجمن با مسوولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارائه کرد و اظهار داشت که در این دیدار مطرح شده است که جامعه‌ی زرتشتی پذیره را قبول ندارد و قرار شد تا راه حلی برای این موضوع در نظر گرفته شود.

در این نشست در مورد چک ۱۴۲ میلیون تومانی بابت اجاره قصر فیروزه و وصول یا عدم وصول آن نیز بحث شد و قرار شد تصمیم‌گیری در این مورد با مطالعه‌ی بیشتر در نشست آینده‌ی هیات مدیره صورت پذیرد.

در این نشست همچنین با کلیات فروش دو قطعه از زمین‌های روانشاد اردشیر شاهرز طبق مصوبه‌ی مجمع همگانی موافقت شد.

در حاشیه:

سی و هشتمین و سی و نهمین نشست هیات مدیره به دلیل غیبت هموندان به حد نصاب نرسید و تشکیل نشد. این نشست فوق‌العاده بود که به دلیل تشکیل نشدن نشست‌های پیشین استثنائاً روز شنبه برگزار شد.

بررسی روند کار بازسازی تالار و موضوع زمینهای قصر فیروزه از جمله محورهای مورد گفتگو در نخستین نشست هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران پس از تعطیلات نوروز بود.

به گزارش خبرنگار امرداد، چهلمین نشست انجمن زرتشتیان تهران به صورت فوق‌العاده و پس از ۴۶ روز تعطیلی روز هفتم اردیبهشت ماه تشکیل شد.

در این نشست خدایار معاونت مسوول مستقیم پروژه بازسازی تالار خسروی، گزارشی در مورد بازسازی این تالار ارائه کرد. وی در پاسخ به پرسش یکی از هموندان درباره دلیل عقد قرارداد با مهندس داریوش شفق به عنوان مهندس مشاور گفت: با توجه به استعلام‌هایی که

به انجمن رسیده، کمسیون، مهندس شفق را برگزید و اکنون یک گروه مسوول و پاسخگو داریم.

سیما کشاورزی نیز با بیان این موضوع که کسی که پول می‌گیرد مسوولیت دارد، این تصمیم را درست دانست.

این گزارش می‌افزاید، رستم بهدین مسوول کمسیون مالی در مورد مصوبه‌ی هیات مدیره در مورد پرداخت ۷ میلیون تومان به مهندس تحت عنوان مشاور گفت: در آن نشست چهارچوب برای رای‌گیری مشخص نبود و رای‌گیری با سرعت و بدون این که مساله به خوبی روشن باشد صورت گرفت.

آغاز مسابقات مقدماتی جام جانبختگان

مسابقات مقدماتی بیست و دومین دوره پیکارهای جام جانبختگان از ۲۰ اردیبهشت ماه آغاز می‌شود. به گزارش خبرنگار امرداد، کانون دانشجویان زرتشتی مسابقات مقدماتی بیست و دومین دوره‌ی پیکارهای ورزشی جام جانبختگان را از بیستم تا بیست هفتم اردیبهشت ماه برگزار می‌کند. دستارداران به شرکت در این مسابقات تا ۱۶ اردیبهشت ماه می‌توانند برای نام‌نویسی به این کانون مراجعه کنند.



چند خط خبر

دو هفته‌نامه امرداد یک دوره فشرده کلاس خبرنگاری (خبر، گزارش، مصاحبه) را برگزار می‌کند.

دوستداران برای کسب آگاهی بیشتر همه روزه به غیر از آدینه‌ها از ساعت ۴ تا ۷ پسین یا تلفن‌های: ۸۸۲۴۸۰۶ - ۸۸۲۵۲۱۲ تماس بگیرند.

توکا نیستانی، یک دوره کلاس‌های آموزش کاربکتور برگزار می‌کند. دستارداران می‌توانند همه روزه از ساعت ۴ تا ۷ پسین یا تلفن‌های جمشید، ۸۸۲۵۲۱۲ تماس بگیرند.

کانون دانشجویان زرتشتی آیین بزرگداشت فردوسی را ۲۶ اردیبهشت ماه ساعت ۵/۳۰ پسین برگزار می‌کند. دستارداران برای کسب آگاهی بیشتر می‌توانند با تلفن ۶۷۰۶۴۱۹ تماس بگیرند.

سازمان زنان زرتشتی اقدام به برگزاری تعدادی کلاس‌های هنری شامل گل‌بلندر، خیاطی مبتدی، سدره و کلاه دوزی، حرکات موزون و غیره کرده است. همکیشان می‌توانند برای آگاهی بیشتر با شماره تلفن ۶۷۰۶۴۱۹ تماس بگیرند.

پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب و نهمین نمایشگاه مطبوعات از تاریخ ۱۱ تا ۲۰ اردیبهشت با حضور ۱۸۰۰ ناشر داخلی و ۷۴۰۰ عنوان کتاب برپا می‌شود. دستارداران می‌توانند در این روزها به محل دائمی نمایشگاه بین‌المللی تهران مراجعه کنند.

فرهنگسرای طبیعت (اشراق) یک دوره کلاس امدادگری در روزهای فرد از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح برگزار می‌کند. دستارداران برای نام‌نویسی می‌توانند با تلفن ۷۲۴۴۱۱۲۰۳ تماس بگیرند.

تاریخ اساطیر ایران، عنوان ویژه برنامه‌ی مستندی است که از شبکه‌ی چهارم سیما پخش می‌شود. این برنامه برای علاقمندان روزهای دوشنبه هر هفته ساعت ۲۰/۳۰ پخش می‌شود.

سختگویی سازمان فروهر :

طرح گسترش زمین ورزشی در کوشک ورجاوند به زودی اجرا خواهد شد

طرح گسترش زمین ورزشی کوشک ورجاوند از طریق بودجه اختصاصی یافته از سوی نهاد ریاست جمهوری به سرپرستی سازمان فروهر اجرا می شود .
سختگویی سازمان فروهر با بیان

این مطلب ادامه داد: توافقنامه ایجاد زمین ورزشی در کوشک ورجاوند از سوی سازمان فروهر و سازمان مدیریت و برنامه ریزی در سال ۱۳۸۰ به امضا رسیده است و این طرح با هدف گسترش و بهینه سازی امکانات ورزشی در جامعه زرتشتی ساخته می شود .
وی گفت: سازمان فروهر در حال مکاتبه و عقد قرارداد با سازمان تربیت بدنی است .
پرویز اهورایی افزود : روند پیشرفت کار در این پروژه پس از تهیه نقشه و طراحی آن هنوز در مرحله تصمیم گیری باقیمانده است و مراحل اجرایی آن در آینده نزدیک آغاز خواهد شد .
سختگویی سازمان فروهر ادامه داد که مراحل اجرایی ساخت زمین

آیین مذهبی هیرومبا



برگزاری آیین هیرومبا امسال بازناب مختلفی در رسانه ها داشته است . خبرگزاری جمهوری اسلامی از اردکان در این رابطه گزارش داد : آیین مذهبی 'هیرومبا' با شرکت حدود یک هزار و ۵۰۰ تن از زرتشتیان ایران و کشورهای هند ، ایتالیا ، فرانسه و آمریکا در زیارتگاه پیر هریشت اردکان برگزار شد .
بنابراین گزارش ، در این آیین نماینده ی زرتشتیان ایران در مجلس شورای اسلامی در سخنانی با اشاره به دستاوردهای انقلاب اسلامی برای اقلیت های دینی ساکن ایران گفت : پیروان کیش [شوا] زرتشت در سایه ی نظام جمهوری اسلامی آیین مذهبی خود را در کمال آزادی ، احترام و آسایش انجام می دهند .
در این گزارش آمده است : خسرو دبستانی ، در بخشی از سخنان خود با گرمی داشت یاد و خاطره ی بنیانگذار انقلاب اسلامی از جانبختگان این کیش در طول دفاع مقدس تجلیل کرد .

وی در ادامه گفت : در استان یزد ۱۴ انجمن زرتشتی فعالیت دارند و برای افزایش سطح فکری پیروان آیین [شوا] زرتشت سه نشریه منتشر می شد که با پیگیری های انجام شده اکنون مجوز ۵ ماهنامه و هفته نامه صادر شده است .
بنابر این گزارش به باور زرتشتیان "شوا زرتشت" در ۳ هزار و ۶۰۰ سال پیش از میلاد چشم به جهان گشود و در سن ۳۰ سالگی از سوی اهورامزدا

برای نظارت بر پروژه بازسازی سازمان پذیرایی :
۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان
به مهندس مشاور پرداخت می شود

هفت میلیون و سیصد هزار تومان برای انجام خدمات طراحی - مهندسی و فنی و نظارت پروژه بازسازی تالارهای پذیرایی و قسمت های اداری به مهندس مشاور پرداخت می شود .
به گزارش خبرنگار امرداد ، در قرار دادی که به امضای رستم آبادیان رییس و شاهجهان دهموید خزانه دار هیات مدیره ی گردش ۳۹ انجمن زرتشتیان تهران و مهندس داریوش شفق به عنوان مشاور فنی و مهندسی رسیده است ، تهیه نقشه های ساختمانی تالارهای پذیرایی ، آشپزخانه ، موتورخانه ، قسمت های اداری ، انبارها ، تالار زنان و کانون دانشجویان و تالار کنفرانس و همچنین تهیه پلان های مقدماتی ، نقشه های تاسیسات و نقشه های برق گنجانده شده است .
بنابراین گزارش کارمزد انجام این خدمات در قرارداد هفت میلیون و سیصد هزار تومان تعیین شده است که در ۵ نوبت به مهندس مشاور پرداخت می شود .
تا کنون یک میلیون و ۵۰۰ هزار



در حیات و ساقه ها
استاد پرویز شهریاری در « اشاره » ی شماره ۱۸۷ ، ۱۸۶ ماهنامه جیستا در مطلبی کوتاه به بررسی گوشه هایی از تاریخ علم در ایران پرداخته است . در این اشاره می خوانیم « تیمستوکلس » سردار یونانی سده ی هفتم پیش از میلاد که گذارش به هکمتانه (همدان) افتاده است ، در آن جا با مکتبی با دانشگاهی روبرو می شود که کسی به نام « سنه تا » یا « سینا » رییس آن ، از پزشکان مشهور آن جا بوده است . تیمستوکلس که خود در این مرکز درس خوانده است ، می نویسد : این مرکز ۱۰۰ دانشجو دارد که به آن ها فلسفه ، اختر شناسی ، جغرافیا و پزشکی می آموزند ، یونانک تاریخ نویس یونانی هم از مکتب های مشابهی نام می برد که در شهرهای ایران گسترده ی آن روزی دیده است .

بسیاری از فیلسوفان و دانشمندان یونانی همچون دموکریت (که شاگرد استانس ، معروف به مغ بزرگ یا زرتشت دوم بود) یا فیثاغورث (که درباره ی او می گویند دانش مغان را آموخته بود و سال های زیادی در ایران و بابل به سر می برد) یا اودوکسوس (که در ایران و بابل و احتمالاً مصر تحصیل کرده بود) از مکتب های ایرانی سود جسته اند . بقرات که به « پدر دانش پزشکی » معروف شده است ، خود اعتراف می کند که بسیاری از مقدمه های پزشکی را از خاندان « سننا » مغان حکمتانه (پای تخت مادها و پارس ها) برداشت کرده است . در یشت ها ، سینا را یکی از مغان حکیم ، پسر « هوم سنوتود » دانسته که همیشه ۱۰۰ شاگرد داشته است ، مکتب پزشکی ایران که نتیجه ی تجربه های پیشینیان بود ، در طول سده ها به « مکتب مغان » شهرت داشته است .
استاد شهریاری در ادامه آورده است : من گمان می کنم پزشکان ایرانی ، باید در کنار نام بقرات ، به نام « سننا » هم اشاره کنند و سوگند بخورند ، چرا که « سننا » هم ایرانی است هم به تعبیری اسناد بقرات بوده است .

آتشکده زرتشتیان یزد
چهارشنبه ۴ اردیبهشت در برنامه ی سفرنامه ی صبا شبکه ی اول سیما آتشکده ی زرتشتیان یزد از زبان یکی از زرتشتیان این گونه معرفی شد : آتش این آتشکده ابتدا در آتشکده ی آذریاب فرعی روشن بوده ، از آنجا به آتشکده ای در عقدا برده شده و چند سال بعد هم در آنجا روشن بوده و اکنون حدود ۲۰۰ سال است که در آتشکده ی زرتشتیان یزد واقع در محله ی زرتشتیان ، با هیزم خشک همچنان فروزان است و در مجموع بیش از ۱۵۰۰ سال است که این آتش پاک در آتشکده ها نگهداری شده است .

گاهنبار در فیروز بهرام



نماینده ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی ضمن یادآوری بزرگان جامعه زرتشتی ، از همکیشان خواست تا فرزندان خود را در آموزشگاه های زرتشتیان نامنویسی کرده و با یاری یکدیگر نواقص این مدارس را رفع کنند .
در این آیین علاوه بر دبستانی ، چند تن از هموطنان هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران و چند تن از اولیا دانش آموزان و دبیران این دبیرستان نیز حضور داشتند .
در هنگام برگزاری گاهنبار تالار زرتشتیان تقریباً بر بود .

همایش جوانان زرتشتی یزد برگزار شد

آیین هیرومبا هر ساله از ۲۵ فروردین ماه در پیر هریشت آغاز و با برگزاری آن در شریف آباد به پایان می رسد .
همایش جوانان زرتشتی یزد به وسیله ی انجمن یانشوران مانتره در واپسین آدینه هر ماه در استان یزد برگزار می شود

همایش جوانان زرتشتی یزد در روز شنبه سی فروردین ماه به میزبانی انجمن یانشوران مانتره برگزار شد .
در این همایش « آیین هیرومبا » و نیز دلایل ماندگاری سنت های زرتشتیان گفتگویی انجام شد .

همایش جوانان زرتشتی ایران در کرمان برگزار خواهد شد

در نشست کنکاش یگانگی از سوی دبستانی اعلام شد :
تایستان امسال همایش جوانان زرتشتی ایران به پیشنهاد انجمن زرتشتیان کرمان در کرمان برگزار خواهد شد .
به گزارش خبرنگار امرداد ، در هفتصد و ششمین نشست کنکاش یگانگی خسرو دبستانی نماینده ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب گفت : برگزاری همایش جوانان زرتشتی ایران در تابستان امسال از سوی انجمن زرتشتیان کرمان پیشنهاد شده است همچنین مکان برگزاری همایش نیز کرمان پیشنهاد شده و قرار است سازمان فروهر و انجمن زرتشتیان تهران نیز در این مورد مطالعه کنند .
خسرو دبستانی - نماینده ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی همچنین گفت : خوشبختانه انجمن زرتشتیان یزد و تفت نیز به تلازمی موفق به دریافت پروانه فعالیت شده اند و با این وضعیت تقریباً همه ی سازمان ها و انجمن های زرتشتیان دارای پروانه هستند .
همچنین وی در سخنان خود در این نشست پس از اهمیت دانستن و لزوم وجود نشریه های

زرتشتی ، برخی از کاریکاتورها و مطالب طنز نشریه ی امرداد را غیر ضروری و نا مفید دانست و خطاب به خبرنگاران نشریه ی مربوطه ، حاضر در نشست گفت : « کاری نکنید امرداد ، مرداد شود » .
سیامک شهریاری یکی از باشندگان این نشست پیشنهاد کرد با توجه به اینکه در نشست های اخیر کنکاش یگانگی صحبت در مورد تبلیغات صحیح فرهنگی بوده ، بهتر است برای دستیابی به این هدف با استفاده از امکانات تازه و به روز مانند کامپیوتری کردن سیستم کتابخانه ی یگانگی و نگاهداری مطالب کتاب های موجود در آن به گونه ی وارد کردن آن ها به پرونده های رایانه ای اقدام کنیم که هزینه ی کمتری را نسبت به خرید نسخه های کتاب ها و یا صحافی دوباره ی برخی از آن ها شامل می شود .
همچنین وی در ادامه گفت : با محاسبات انجام شده بیش از ۴ جلد کتاب در یک دیسکت فشرده جای می گیرد و با این کار می توان به غیر از صرفه جویی در هزینه ، با اختصاص فضایی در شبکه جهانی اینترنت ، مطالب با

ارزش موجود در این کتابخانه را به راحتی در اختیار همه ی دوستداران در سراسر جهان قرار داد و نیز زمینه ی آشنایی بیشتر همکیشان با شیوه های تازه و به روز دنیا را فراهم کرد .
فرامرز پور رستمی رییس انجمن زرتشتیان تفت و توابع مقیم تهران نیز در این باره افزود : نباید کاری کنیم تا سخنان روز تبدیل به سخنان دیروز و روزهای قبل شوند .
وی همچنین در مورد بازسازی آشپزخانه ی تالار خسروی و کارهایی از این گونه گفت : بهتر است به جای استفاده از افرادی که بدون مزد کاری می کنند از متخصصان متعهدان جامعه که امروزه تعدادشان در بین جوانان تحصیل کرده ی ما کم نیست بهره گیری و با دادن دستمزد ، از آنها مسوولیت را در برابر کارهایی که انجام می دهند بخواهیم .
خسرو دبستانی در پایان نشست ، دستور جلسه ی نشست آینده جوانان و همایش داخلی جوانان زرتشتی ایران قرار داده و با پیشنهاد کسری وفاداری در راستای دعوت از جوانان برای شرکت گسترده در این نشست ها موافقت کرد .

بیاد و یادگار

خاطرات خود را برای چاپ در این بخش همراه با نام و نشانی خودتان به نشانی امرداد ارسال نمایید. از شماره پیش داستانی را آغاز کردیم که اینک بخش دوم آن را میخوانید بخوانید:

این چه جور مالکیتیه؟! ... حالا تزن و کی بزین. مزه اون کتک ها همچی زیر زبونمون می موند که از دفعه بعد حتی اگه خودمون داشتیم می افتادیم از مشربه مثل نخچ چشمنون مواظبیم می کردیم. "توی خونه چی؟ چه کار می کردین؟" توی خونه هم که بیشتر پخت و پز و کار خونه و بچه بود و کشاورزی. اگر چه وضع آب هم زیاد تعریفی نداشت ولی خوب؟! بعدش پوز خندی زد و اروم گفت:



آره ولی انگار از چاله در آمدیم و افتادیم توی چاه. شرایط دیگر

اما شنیدم حالا هم که از رود خونه اصفهان و هزار جای دیگه آب آوردن دیگه کسی نمونده که کشاورزی کنه!
"خوب بیبین شماها که همه توی ده برای خودتون زمین داشتین و مالک بودین پس چرا مثل مالک زندگی نمی کردین؟" مالک ... مالک چی؟ چند تکه زمین خشک و بی آب و علف که به جز کشاورزی کار دیگریش نمی شد کرد، آخه این مالکیت به چه درد می خورد؟ "خوب پس چرا همه با هم تصمیم نمی گرفتید زمینها را بفروشید. مثلا برای کارهای تولیدی، کارخونه، کارگاه یا اینچنین چیزها؟" بعدش هم خودتون می رفتین با پولش به جای درست و حسابی زندگی می کردین؟
اختیار دارین، زمین وقتی رو که نمی شد فروخت حرفش رو هم تزن! فروختن اون زمین ها، به جور کفر گفتن بود.
"ای بابا آخه وقتی حتی اختیار نداری زمین خودت رو بفروشی

این بار

منسوج دوره هخامنشی

رکسانا بنگر توفروزه زن دانا را
افزود به آزادگی و دانش و داد
رخساره آرام و دل پرنا را
توران شیریناری



ادامه دارد...

واقعاً آن ها را دوست دارند. این را وقتی فهمیدیم که ساوش کشاورزی به آموزش گارش می گفت: «از تمام کارهای بدی که در طول سال کرده ام از شما عذر خواهی می کنم. امیدوارم که سالم و شاداب و سر حال باشید.» این که می گویند بعضی وقت ها بچه ها بیشتر از بزرگ ترها می فهمند، کاملاً درست است. دلیمان هم حرف های ویستا خسرو پور یکی از دانش آموزان دبستان گیو است. وقتی می گوید: «کار آموزگاران بسیار سخت است چون که باید همه بچه ها را یکسان نگاه کرد تا کسی از آنها ناراحت نشود.» شهزاد آبادیان آموزگاران را فرشته های آسمانی می داند. در حالی که دلارام سروشی می گوید: «ای معلم، ای شمع فروزان، تو در قلب من هستی، دوست دارم.»
این آموزگاران در کلاسهای خود با دانش آموزان خود درگیرند. این آموزگاران در کلاسهای خود با دانش آموزان خود درگیرند. این آموزگاران در کلاسهای خود با دانش آموزان خود درگیرند.

جوان نظرات جالبی دارد، او می گوید: «جوان آینده ساز هر جامعه، پشتوانه ی نسل قدیم و نقطه ی اتکالی هر جامعه است.» فرید لرسناتی جوانی را در عشق، دلهره، التهاب و سرزندگی معنا می کنه. جوانی را محل تلاقی نیکی و بدی، اشتباه و درست می داند و می گوید: جوانی یعنی ادامه دادن ...
در مدرسه گشتاسب هم، بچه ها حرف های زیادی برای گفتن داشتند. «روز جوان، روز تولد دوباره جهان است.» این جمله ای بود که از زبان مونا رضا سلمانی شنیدیم.
فرزان ایزدی هم از آموزش گارش به خاطر آموختن عشق به زندگی، راه چشمه دانش و گفته های اشوررتشت سپاسگزاری می کند و در سویی دیگر پانته آ سروش پور، آموزگار را باغبان جامعه و جوانان را میوه آن باغ می داند. وقتی نظرات دانش آموزان رستم آبادیان را در مورد جوان و آموزگار جویا شنیدیم، فرزند

نیروی جوان و نوجوان یک جامعه، سرمایه ای است ارزشمند و توانمند، که اگر شناخته شود و در جهتی درست به حرکت در آید، آینده ای روشن را برای جامعه تضمین می کند. و در غیر این صورت، در دوره راههای این دنیای بیچ در پیچ سردرگم گشته، قوی ترین جوامع را نیز از پای در می آورد. ارزش و اهمیت فراوان این قشر سرنوشست ساز و در عین حال آسیب پذیر، ما را بر آن داشت تا از این پس ستونی را در امرداد با هدف کشف استعدادها در فعالیت های فرهنگی و اجتماعی، ایجاد انگیزه و دادن اعتماد به نفس برای مشارکت در کارهای اجتماعی و تشویق این عزیزان به اندیشیدن و نوشتن، به اندیشه ها و نظرات این عزیزان اختصاص دهیم. در آستانه فرا رسیدن هفته جوان و روز آموزگار، سری به مدارس زرتشتیان زدیم تا نظر جوانان و همچنین نوجوانان را درباره جوان و معلم جویا



KASRA

نمایشگاه خردادی

نمایندگی و مرکز پیش کشی سمنان و سرامیک کسری

آدرس: بزرگراه رسالت، خیابان بنی هاشم، پلاک ۱۱۶

تلفن: ۲۵۲۳۴۰۵، ۲۵۳۱۰۱۴-۱۵

سینما: یک دنیا حرف



شام آخر: شام آخر داستان استاد دانشگاهی است به نام میهن مشرفی. کتابیون ریاحی در شام آخر در نقش خانم مشرفی استاد دانشکده معماری، بازی می کند که از همسرش جدا می شود. او رابطه ی بسیار دوستانه ای با شاگردانش دارد که در این میان یکی از شاگردان او (محمد رضا گلزار) به او دل می بازد. در حالی که دخترش به نام ستاره خود را همسر او می داند و ... در این فیلم به کارگردانی فریدون

جبرانی، کتابیون ریاحی یکی از نامزدهای کسب سیمرغ بلورین برای بهترین بازیگری زن در بیستمین جشنواره فجر شد.

مزاحم: نیما دادگر (خسرو شکیبایی) هنر پیشه محبوب و دوست داشتنی مردم ، در یک مکالمه تلفنی ، سایه سنگین زنی را که از آغاز زندگی زناشویی خود با همسر جوانش غزال (میترا حجار) به عنوان مزاحم، بر روی زندگی شان است ، احساس می کند و دچار نوعی استرس و پریشانی می شود که این پریشانی و مکالمه های مشکوک تلفنی و ... باعث سوء ظن همسر جوان و حساس او می شود و در اوج جدایی های آن دو به یک باره تلفن به صدا در می آید و ...

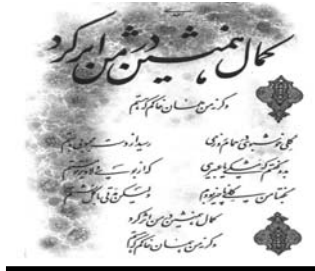
فیلم مزاحم یکی از پر فروش ترین فیلم هایی است که به کارگردانی سپروس الوند و همچنین بازی خوب و پر احساس خسرو شکیبایی ، امین حیایی و همچنین هنر پیشه جوان لعیا زنگنه به روی پرده های سینمای تهران و اغلب شهرستان ها رفته است و توجه بسیاری از هنردوستان را به خود جلب کرده است.

نمایشگاه دوسالانه نگارگری



فرهنگسرای نیاوران تهران از روز ۲۵ فروردین ماه میزبان پنجمین نمایشگاه دوسالانه نگارگری ایران است . در این نمایشگاه ۲۲۹ نفر از هنرمندان با ۲۶۸ اثر در سه بخش تذهیب ، گل و مرغ و نگارگری شرکت داشتند که به منظور تجلیل از مشاهیر نگارگری ایران به نام سلطان محمد نامگذاری شد . مرکز هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری نگارگری ایران این نمایشگاه را برگزار کرد . از آثاری که در نگارخانه بیشتر نظر بیننده را جلب می کند ، اثری است با عنوان ادمیزاد ، از استاد محمود فرشچیان . استاد فرشچیان در این اثر سعی داشته است تا صفات مختلف نیک و بد انسانی را به صورت چهره ی انسانی نمایش دهد . وی به وجود « دیو » و « فرشته » در وجود آدمی اشاره می کند که امکان رشد هر کدام در او وجود دارد . وی این سرشت های نیک و بد را قالب حیواناتی مانند پرنده ، عقاب ، ماهی و ... نشان

بعد از فصل عاشق شدن ، یاری دادن زیباترین فصل جهان است



دیار مهر

شهر آندیشه

اما وجود معنوی باید از مراحلی بگذرد تا شایسته بهجت و سعادت ابدی گردد. زندگی هر کول ، غسل تعمید ، آیین تدفین راهبان بیرمانی ، افسانه دموفون ، دهپا افسانه و سفرهای خیالی ، آتش پیمایی و گذر از آتش و ... همه در این مجموعه باز نموده شده اند . اما محور اصلی این کتاب آتش است ، به قول نویسنده آتش در همه تمدن ها و میان همه اقوام و ملل عنصری صمتا و کاسار و مولد و در عین حال رمز آمیز و نامدین و قدسی شمرده می شده و آن را ذاتی شکوهمند و اسرار آمیز و زنده و عنصر آغازین عالم سفیر می دانسته اند . از این روی در این کتاب ربط آتش با مضامینی چون جادوانگی ، باورری ، از سرگیری جوانی ، کسب معرفت ، کیمیا گری ، تطهیر ، زاینده گی ، رستاخیز ، مرگ ، توفیق و مانند این ها شرح و تبیین می شود . خواندن این کتاب که در ۲۹۶ صفحه شامل ۲۱ فصل در دسترس عموم قرار دارد را به خوانندگان امرداد توصیه می کنیم .

شهر آندیشه

سان ، به زعم آنان ادیان توحیدی ، صورت های همگانی و یا اجتماع پذیر این سنت محسوب می شوند که همان شریعت است ، ولی تنها با طی طریق و سیر سلوک می توان به حقیقت دین رسید . نویسنده این کتاب ژان پیر بابار آنچنان که خود در مقدمه اثرش توضیح داده است . ترجیح داده است : اسنادی را که از منبع فرهنگ مردم سراسر جهان است : کتابی که ترجمه اش از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد ، تا حدی در ردیف آثار رنه گنون ، تیتوسی بورگهارت و هر تسیوف شوتون است ، گر چه به اندازه آن تالیفات ، متوازن و محققانه نیست . اینان با وجود دانش و معرفتی سری ، در خور خواص راز دان و راز آشنا که به اعتقادشان ، دیده و رانی سر آمد ، در مصر و هند و ایران باستان آن را به میردان مستعد تعلیم می کرده اند و به سنت قدسی مشهور است ، قائل اند و بر این باورند که مفتاح رازگشایی این سنت ، امروزه تنها در دست معدود کسانی است که چشم بصیرت دارند و در واقع برگزیده و نظر کرده اند . به همین

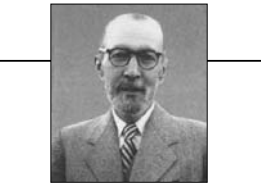


رمز پردازی آتش

آنچه که در کتاب رمز پردازی آتش می آموزیم ، همان اسطوره هاست . اسطوره هایی که از دورترین زمان ها در سراسر جهان و در میان همه فرهنگ ها و اقوام ، گرمای داشته اند . اما زمانه بی کرانه آنرا را به اشکالی کاملا متفاوت به ما رسانده است . هر روزه نزدیک ترین فاصله را از اسطوره های پیرامون خویش داریم . اما چون معنا و مفهوم اسطوره ها را به خوبی نمی دانیم معمولا از شناسایی این باز می مانیم و در لابلای تاریخ و در بیخ های عرفان و دین و تایواهی خیالی به دنبالشان می گردیم . رمز پردازی آتش را نشر مرکز در سال

نیلوقرانه

بیمار شد و از کلیه فعالیت های ادبی و اجتماعی باز ماند و سرانجام در نخستین روز اردیبهشت سال ۱۳۳۰ خورشیدی زندگی را بدرود گفت و در آرامگاه صفا (مقبره ظهیر الدوله) در شمیران به خاک سپرده شد . بعدها ساختمان کوچکی بر سر مزار او ساختند و این دو شعر را در بالای آن بر روی کاشی نوشتند که هنوز پا برجاست . عمری گذرانیدیم به کام دگران ما در تشویش و خلق در خواب گران القصد وطن را به دو چشم نگران رفتم و سپردیم به هنگامه گران ملک الشعراء بهار در فن شاعری قصیده سرا بود و هنر ویژه وی در این قسمت است . ولی مثنوی ها و غزل ها و رباعی های بسیار از او به جا مانده است که در دو مجلد بزرگ در سال ۱۳۳۵ خورشیدی از طرف انتشارات امیرکبیر در تهران چاپ و منتشر شده است . کلیات اشعار بهار متجاوز از سی و پنج هزار بیت و تالیف های او به شرح زیر است : تاریخ احزاب سیاسی یا انقراض قاجاریه در دو مجلد ، سبک شناسی ادبیات پارسی در سه مجلد ، چهار خطابه منظوم ، ترجمه احوال محمد بن جریر طبری ، زمان نیرنگ سیاه یا کنیزان سفید ، رساله زندگانی مانی ، تصحیح تاریخ سیستان ، دوره های مجله های « تازه بهار » و « نو بهار » و « دانشکده » و « ترجمه یادگار زریران » و « درخت آسوریک » از پهلوی به فارسی .



محمد تقی بهار (ملک الشعراء)

محمد تقی بهار (ملک الشعراء) بزرگترین شاعر و نویسنده و پژوهشگر ادبی معاصر ایران است . وی در سال ۱۲۶۶ خورشیدی در مشهد متولد شد . در جنبش آزادی خواهی مشروطه مجاهدت ها کرد . در سال ۱۲۹۳ خورشیدی روزنامه « نو بهار » را منتشر کرد و به راهنمایی و بیداری مردم کمک شایانی نمود . سال بعد روزنامه « تازه بهار » را به جهان مطبوعات افزود و در سال ۱۲۹۴ خورشیدی به سمت نمایندگی مجلس شورای ملی از طرف مردم مشهد انتخاب و به تهران رهسپار شد . در سال ۱۲۹۶ خورشیدی به نشر مجله « دانشکده » پرداخت و در همان سال روزنامه « نو بهار » را از نو دایر کرد . در سال ۱۲۹۹ مدیریت « روزنامه ایران » که نیم رسمی بود ، به او محول گردید . از سال ۱۳۰۷ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس ادبیات فارسی پرداخت و به پیشرفت امور فرهنگی و پرورش تنی چند از دانشمندان معاصر کمک شایانی کرد . هنوز یکسال بیش از بازگشتش از سوی نگذشته بود که دوباره به سختی

با جوان

با توجه به نیروی عظیم جوان در کشور و اهمیت غیر قابل انکار این قشر بر توان صمیمانه فرا رسیدن هفته جوان را گرامی می داریم و صادقانه نهایت تلاشمان را برای توانمند تر کردن دوستانمان بکار می گیریم . ما جوان ها ، همگی ، معلمهای زندگی مان را در هر سنی که باشیم ارج می نهیم و به این مطلب واقفیم که بهترین یارگان غنچه های مملکت ، عزیزانی هستند که عمر پر برکت خود را صرف آبیاری و شکوفای کردن آینده سازان دنیا می نمایند و چه زیباست لحظه ای که دلبری باز نشسته به پزشکی مراجعه کند که روزگاری او این الفبای عشق را به او آموخته . و حال ما در پی آن هستیم که روز ۸ اردیبهشت ماه برابر با آذر ایاز از روز اردیبهشت را که سمبل جوان می باشد با تمام جنبه های زیبایی جوانی احیا کنیم . ما جوانان و نوجوانان به این مطلب واقفیم که تا خودمان و تواناییهایمان را نشناسیم و باور نکنیم ، دیگران به آن ایمان نخواهند رسید . پس به عنوان قدم اول در این قسمت از امرداد باهدف کشف استعداد های نهفته عزیزانمان و بکارگیری جهت در این استعدادها در محافل علمی ، فرهنگی و هنری ، افزایش انگیزه و بالا بردن اعتماد به نفس جهت مشارکت در کارهای اجتماعی و تحسین و تشویق جوانان به زیبا اندیشیدن و خوب اندیشیدن قصد داریم سنگ صبور شما باشیم و مشتاقانه منتظر دریافت مطالب و درد دل های شما مهربانان هستیم . تا یکبار در ماه ، میزبان حرفهای نکته تان باشیم . به امید فردایی بهتر



آغاز زندگی در پس نگاه های کنیکاو زندگی زیباست به زیبایی نگاه زیبای من و تو زندگی زیباست به زیبایی خنده دلنشین تو شورما ، دل انگیز است آن دم که با نگرانی و دلپایی پر از امید ، شکست ما در دناک است زمانیکه مهر کوچکی و شکست را به خود می زنیمن دنیا ما شیرین است زمانیکه با نگاه مواظب مردم اطراف خود ، دست و پنجه نرم می کنیم احساس ما ، احساس من و تو ، احساس آغاز زندگی همان مردم است ، که حالا شور و نگاه من و تو روزگاری در قلب و در آن دلپای خانه داشته . پس بیا من و تو روشن باشیم تا آن تیرگیها را نبینیم . بیا وجودمان را از نور کنیم تا دیده مردم اطرافمان را نور افشان کنیم . تا دنیا به کام ما شود و تا زیبا شود ، دوست داشتن هایمان . حالا دیگر باید در پس ساختن باغ زندگی مان باشیم و در پی آب دادن به میوه های زیبای آن . تا که روزی آنها هم تجربه کنند ساختن باغ را .

حکومت از دیدگاه گاتها

نوشته: بهروز سروشیان

دروغگو و زمان

امیر کبیر و زرتشتیان

سیاست امیر کبیر نسبت به ملل متنوعه بر پایه‌ی مدارای مذهبی و حق آزادی پرستش و تساهل حقوق اجتماعی قرار داشت. او این وجه نظر او را به «روشنگری» دینی شناخته‌اند. زرتشتیان که جای خود را داشتند، آشوریان و ارمنیان و عیسویان کاتولیک و ارتدکس و پرستان و صابیان و تا اندازه‌ای یهودیان، همه از آن سیاست امیر برخوردار بودند.



شکیبایی مذهبی از بنیاد های فرهنگ ایران است و گر چه گاه سخت گیری و آزار و تعصب هم در کار بوده، ولی هم رفته‌ها ملل مزبور در کیش خود آزاد بودند. جنبه تازه و مترقی سیاست امیر کوشش او در راه تامین مساوات حقوق اقلیتها، و بالا بردن مقام اجتماعی آنان می‌باشد. در این رویه‌ی آزاد منشانه، غیر از عنصر روشن بینی، عامل صلح سیاسی نیز دخیل بود. این معنی دانسته شده که دولت‌های اروپایی به هر کجا که پایشان باز می‌گردد، پشتیبانی خود را از اقلیت ها و از فرقه های مختلف دریغ نمی‌داشتند، و در مورد اقلیت مسیحی، البته همکشی نیز سبب دیگری بود. این خود موجب شد که روس و انگلیس برای خود حقیق در سرپرستی و جانبداری از عیسویان ایران ادعا کنند. در ضمن، بی‌تدبیری سیاسی و تبعیض اجتماعی و گاه تحریک دینی، سرود باد مستان می‌داد. پس دولت می باستی شیوه‌ی ای پیش گیرد که از نایمنی اجتماعی اقلیت ها بکاهد، تا آنها پشت و پناه خود را دولت های بیگانه ندانند. در این راه امیر کارهایی کرد که به شرح آن می‌پردازیم:

نسبت به وضع زرتشتیان علاقه‌ی خاص داشت و از میان خودشان، کلاستر مخصوص گماشت که به کارهایشان رسیدگی نماید. در پشتیبانی از آنها، ضمن نامه دیجه‌ی ۱۲۶۵ به نایب‌الحکومه‌ی یزد، نوشت: «از آنجا که رفاهیت طایفه مزبور را اینجانب طالب است، می‌باید آن عالیجاه شرف این دولت در این باب نهایت اهتمام به عمل آورده، اموال آنها رهام و کمال از مرتکبین گرفته به آنها برسد، در دلجویی و مهربانی دولت سبب شد که از هفت خانوار زرتشتی که درسال ۱۲۵۲ به بمبئی رفته بودند، به سفارش نزدیکانشان به ایران بازگشتند. در ۱۲۶۵ معادلان موبد نزد تهران آمد، امیر او را گرمای داشت، و از جانب شاه به او خلعت داده شد. نامه‌ای را که امیر در دیجه‌ی ۱۲۶۵ در سفارش موبدان موبد، به نایب‌الحکومه یزد نگاشته و حکایت گر شیوه‌ی آزادان اوست، می‌آوریم: «عالیجاها، مجدت همراها، عزیزا، چون هر یک از مذاهب مختلفه و ملل متنوعه که در ظل حمایت قصر بی قصور این دولت آید غنوده‌اند، مشمول عواطف خسروانه و عوارف ملوکانه می‌باشند، لهذا در این وقت که زنده الفضلا الموصیه موبد موبدان، موبد نامدار شرف اندوز حضور پادشاهی گشته و متخل به خلعت مهر طلعت هماهین آمده، او را مرض معاودت فرمودند، به آن عالیجاه قلمی می‌شود که: کمال رعایت و حمایت درباره او و طایفه‌ی مجوسیه به عمل آورده جزیه‌ی آنها را از قرار فرمان مبارک که مقرر شده است، ملا بهرام کلاستر در دارالخلافه به مقر الخاقان محمد حسن خان سردار برساند: از آن قرار معمول داشته آن عالیجاه مطالبه نمایند و متعرض آنها نشود. می‌باید آن عالیجاه از قرار نوشته عمل نموده بطوری که مثالیاره و طایفه مزبور رفتار کرده که در کمال آسودگی و فراغت مشغول رعیتی خود بوده، به دعا گوئی دوام دولت قاهره اشتغال نمایند.»

به هر حال این بنده، فقط هدفم این است که این نسخه‌ها با معرفی شوند پیش از آنکه تعداد بیشتری از آنها مفقود یا معدوم گردد. چه اینکه هنگام بررسی کتابها دریافتند در طی دو سه دهه از روزگار تدارک فهرست سردمدان تا سال ۱۳۵۰ خوشبختی در حدود ده درصد از کتابها کم شده است یعنی با بررسی فهرست به این نتیجه می‌رسیم که بیش از چهل کتاب به این سرنوشت دچار شده است.

این بند نشان دهنده آن است که تدابیر حکومت می‌باید در جهت برقراری صلح و آرامش و نابود کردن تبهکاری و مبارک باشد. حکومت باید خشونت، فریبکاری، تبهکاری را ریشه کن کند. تامین امنیت مردمان در خانه‌ها و شهرهایشان از وظایف شهربان (حکومت) نیک است. در پایان به طور خلاصه می‌توان ویژگی‌های حکومت نیک را از دیدگاه گاتها چنین دانست:

- ۱. راستی (اشا) : نظم و هنجار هستی است. حکومت با شناخت آن کاری نخواهد کرد تا محیط زیست دچار نابودی شود. صداقت حکومت هم از اشا و راستی باید باشد. همان که ما امروزه شفافیت سیاسی می‌گوییم. پیوستگی اشا و حکومت در بندهای ۱۰/۴۳ و ۲۰/۴۴ مورد اشاره قرار گرفته است ..
- ۲. پاراسایی (آرمیتی) : نشانه فروتنی و بردباری است. آرمیتی نماینده زمین است که بردبار و بخشند است. حکومت باید خود را دور از دور از هر خطایی بشمرد. باید سختی‌ها را تحمل کرده، در برابر مخالفان و دگر اندیشان فروتن و نیوشا باشد. پیوستگی آرمیتی و حکومت در بندهای ۱۰/۴۳، ۵/۴۸، ۹/۳۱، مورد اشاره قرار گرفته است ..
- ۳. دانش (چیتسا) : نشانه دانش و خرد است. روزگاری خود شهربان دانش حکومت را در اختیار داشت. بعدها یوزرانی تا (مانند بزرگمهر) دانایی در دبرار را نمایند شدند و امروزه گروه مشاوران سامانده دانایی در حکومت هستند. پیوسته دانش (چیتسا) با حکومت در بند ۹/۴۸ و ۹/۴۸ آمده است ..
- ۴. مبارزه یا فریب : گفته شده که حکومت نباید به فریبکاری دست یازد. در بندهای ۱۰/۴۸ و ۸/۵۲ این موضوع مورد اشاره قرار گرفته است ..
- ۵. وجدان (سروش) : نقش منتقد و زنهان رز دلمی حکومت دارد. روزگاری دبراره شهربان به نظر می‌رسید وجود وجدان کافی است. امروزه نهادهای مدنی، مردم و رسانه‌ها این نقش را به عهده دارند. (بند ۱۶/۴۴)
- ۶. منایع : ترجمه گاتها: دکتر حسین وحیدی ترجمه گاتها: موبد فیروز آذرگنسب ترجمه اوسا، هاشم رضی زرتشت و آموزش های او. موبد رستم شهبادی واژه نامه آوستایی. احسان بهرامی پیام زرتشت. عدلی اکبر جعفری

۱. آزاد (هنگامی که با آغاز یا اندیشه خوش برای مات و خرد و وجدان آفریدی و به تن ماجا دیدیدی و به ما توانایی گفتار و کردار دادی، خواستی که باور خوشی را به دلخواه برگزینیم.

۲. دادگری: هر کسی در این جهان کردارش می‌باید بر پایه راستی باشد که این بنیادین زندگی است، راهبر می‌باید با دروندان (پیروان دروغ، بذرکاران) و راستان و همچنین با آنان که کردار نیک و بدشان به هم آمیخته است با درست ترین کردار رفتار کند.

کتاب های گنجینه مانکی (۲)

انتیازات اجتماعی به زرتشتیان به‌دند و مانکی به پاس این توفیق سیاستنامه‌هایی برای شاه و درباریان فرستاد که همه طی نامه‌ی بدن پاسخ داده‌اند او این پاسخ‌ها را که اغلب به پارسی سره نوشته شده است، به خط نستعلیق نوشته و در نخستین سالهای قرن ۱۴ هجری در بمبئی به چاپ رسانید، که نسخه‌ی ای از آن در این جانب در اختیار دارم. نخستین نامه، از خود مانکی است که به شاه نوشته شده و ناصر الدین شاه در گوشه آن نوشته است (عریضه مانکی را ملاحظه فرمودیم بعضی شیرینیا که فرستاده بود به حضور رسید، به سال ۱۳۰۰). امین الدوله داماد شاه و وزیر اعظم نیز بوده است این نوشته شاه را تایید و تصمین کرده است. کاز بزرگ دیگری که مانکی در طی اقامت خود در ایران انجام داد تهیه و گردآوری مجموعه‌ای از کتاب‌های چاپی و خطی درباره موضوع‌های مختلف است که می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد: ۱- کتب مربوط به دین و مذهب و به ویژه آیین زرتشتی و مذهب شیعه، ۲- تاریخ ایران، روابط ایران و هند و تاریخ عزیمت پارسیان به هندوستان، ۳- علوم، کتابهای مربوط به هیئت و ریاضی و کیمیا و علم اعداد، ۴- پزشکی و داروسازی، ۵- جغرافیا و سیاحتنامه، ۶- شعر و ادبیات عربی و فارسی و چه نوبت حکمت، ۷- شعر و ادبیات به ویژه ادبیات عرفانی و فلسفه، ۸- در میان مجموعه کنونی هاترا، تعدادی کتب چاپی که همه از لحاظ تاریخ چاپ کتابهای فارسی، حائز

این بنده خوبی آشکار می‌کند که بیامد ناگزیر آزادی بیان، بروز شک و تردید است اما اشوزرتشت برای دوری گزیدن از این تردید، فروتنی و تواضع را به یاری روان طلبیده است. در عین حال این بند نشان می‌دهد که هر کسی که در سر اندیشه‌ی ای دارد می‌باید بتواند نظرات خود را آزادانه بیان دارد. در اینجا و آن چنان که از بند اخیر به نظر می‌آید بنا بر باور اشوزرتشت حتی نمی‌توان به بهانه این که کسی نادان یا فاقد صلاحیت است، جلوی اظهار نظرش را گرفت، بلکه باید اجازه داد تا هر کس آن چه در اندیشه دارد را بر زبان آورد. بندی که در ادامه به آن استناد خواهد شد، البته دارای دو تعبیر گوناگون است. دو تعبیری که متضاد هستند، یکی از برگردان (ها) (استریا) را برابر «برزیگر» دانسته و گنوش را هم گاو. این تعبیر، تعبیر ساده لوحانه از گاتهاست. برگردان مورد استناد من (واستریا) راهبر و گنوش را نماد جهان زنده می‌داند که البته مردمان را هم نماینده است.

۱. آزادی (هنگامی که با آغاز یا اندیشه خوش برای مات و خرد و وجدان آفریدی و به تن ماجا دیدیدی و به ما توانایی گفتار و کردار دادی، خواستی که باور خوشی را به دلخواه برگزینیم.

۲. دادگری: هر کسی در این جهان کردارش می‌باید بر پایه راستی باشد که این بنیادین زندگی است، راهبر می‌باید با دروندان (پیروان دروغ، بذرکاران) و راستان و همچنین با آنان که کردار نیک و بدشان به هم آمیخته است با درست ترین کردار رفتار کند.

۳. استیضاح و انتقاد: ای مزدا! پس مرا به سوی راستی دلخواه من راه بنمای، تا با پیروی از پاراسایی (آرمیتی) آن را دریابم و از ما پیروی و مابرا بیازمای که پرستی و آزمون توست که راهبران را نیرومندی و برتری می‌بخشد. هات ۴۳ بند ۱۰ در این بند شهربان (خستره) خواستار پرستی مزدایی (پرشت) می‌شود تا بدین وسیله نیروی برتری یابد. ترجیح می‌دهم این بند را چنین تعبیر کنم که احتمالا بنا بر نظر گاتها، اشوزرتشت پرستی از شهربان و

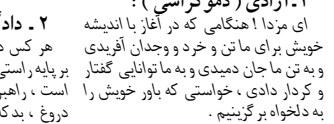
نابید انتظار داشت که از خلال گاتها به عنوان مثال اصول حکومت جمهوری آن گونه که امروزه می‌شناسیم بدست می‌آید البته اشاراتی کلی درباره حکومت در این کتاب شده است. از طرف دیگر باید پذیرفت که اشوزرتشت در هنگامی دین که از حکومت برتر، منارشی یا سلطنت بوده است به همین دلیل اشارات گاتها درباره حکومت اغلب بی‌ارمون شهربان (هوخشتر- خستره) یا سرور مینیوی و گیتی (رتور) می‌باشد.

این موضوع نیز روشن است که ما از ساز و کارهای گزینش شهربان در آن زمان یا آن چنان که اشوزرتشت می‌خواستیم، چیز زیادی نمی‌دانیم. شاید تعیین حکومت موروثی بوده و یا شاید ساز و کاری شبیه بیعت داشته است و یاریش سپیدان قوم در جمعی شهربان را بر می‌گزیدند. این موضوع از نقاط مهم تاریخ است و شاید تنها از طریق پژوهش‌های باستان شناسی پروتی بران افکنده شود. پس از آن چه که گفته آمد، یافته‌های زیر از گاتها و درباره حکومت بیان می‌شود:

۱. آزادی (هنگامی که با آغاز یا اندیشه خوش برای مات و خرد و وجدان آفریدی و به تن ماجا دیدیدی و به ما توانایی گفتار و کردار دادی، خواستی که باور خوشی را به دلخواه برگزینیم.

کتاب های گنجینه مانکی (۱)

انتیازات اجتماعی به زرتشتیان به‌دند و مانکی به پاس این توفیق سیاستنامه‌هایی برای شاه و درباریان فرستاد که همه طی نامه‌ی بدن پاسخ داده‌اند او این پاسخ‌ها را که اغلب به پارسی سره نوشته شده است، به خط نستعلیق نوشته و در نخستین سالهای قرن ۱۴ هجری در بمبئی به چاپ رسانید، که نسخه‌ی ای از آن در این جانب در اختیار دارم. نخستین نامه، از خود مانکی است که به شاه نوشته شده و ناصر الدین شاه در گوشه آن نوشته است (عریضه مانکی را ملاحظه فرمودیم بعضی شیرینیا که فرستاده بود به حضور رسید، به سال ۱۳۰۰). امین الدوله داماد شاه و وزیر اعظم نیز بوده است این نوشته شاه را تایید و تصمین کرده است. کاز بزرگ دیگری که مانکی در طی اقامت خود در ایران انجام داد تهیه و گردآوری مجموعه‌ای از کتاب‌های چاپی و خطی درباره موضوع‌های مختلف است که می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی کرد: ۱- کتب مربوط به دین و مذهب و به ویژه آیین زرتشتی و مذهب شیعه، ۲- تاریخ ایران، روابط ایران و هند و تاریخ عزیمت پارسیان به هندوستان، ۳- علوم، کتابهای مربوط به هیئت و ریاضی و کیمیا و علم اعداد، ۴- پزشکی و داروسازی، ۵- جغرافیا و سیاحتنامه، ۶- شعر و ادبیات عربی و فارسی و چه نوبت حکمت، ۷- شعر و ادبیات به ویژه ادبیات عرفانی و فلسفه، ۸- در میان مجموعه کنونی هاترا، تعدادی کتب چاپی که همه از لحاظ تاریخ چاپ کتابهای فارسی، حائز



به مناسبت بزرگداشت مانکی



به مناسبت بزرگداشت مانکی

همکاران: پژمان پیلتن، فریوش نیروسنگی، آرش دیناریان، کیوان هور ترینی دهموند، فیروزه روین تن، صی زمانی، شهرام پوردهی

الله چکاچک
 الو ببخشید،
 منزل آقای چکاچک؟
 با درود؛
لطفاً پس از شنیدن صدای من و صدای بوق، حرف بزنید!
 فوت. فوت. فوت... تلق!
 از پیام این خواننده ی محترم سپاسگزاریم، امیدواریم بتوانیم از فرمایشات بعدی ایشان نیز استفاده کنیم.
 کمی تشکر داشتیم و کمی هم اعتراض این کارها را باید کجا تحویل بدهم.
سرگردان
 شما می توانید اعتراض ها و تشکرهایتان را در دلانتان جمع کنید و یک روز همه ی آن ها را به صورت جیب بکشید!
 از یک نفر آدم حسابی بپرسید که اگر یک اثر باستانی را بازسازی کردند و بعد متوجه شدند که آن جا را خراب کرده اند، چه باید کرد؟
باستانی شناس
 اولاً اگر متوجه شدند که خیلی خوب است، ثانیاً کاری خاصی لازم نیست، فقط همان فهمیدن کافی است.



مغز ما اکسید گشت و سوختیم بس که شیمی و فیزیک آموختیم
 هی اسید و باز دعوا می کنند فاک عالم بر سر ما می کنند
 این مسایل که فیزیک در هم زده مرکز ثقل مرا بر هم زده
 بار سنگین فیزیک لوع کرده است اهرم ذهن مرا کج کرده است
 میر و مهمولات آن درد است درد چهره ام از دست آن زد است زد
 از زبان خارجه آشفته ام در سر زنگ زبان من ففته ام
 تا مدیر ما ز ند زنگ فاص با شتاب نور جیم فنگ از کلاس

« یکل از ملوک بی انصاف، پارسایی را پرسید از عبادتها کدام افضل تر است؟ گفت تو را خواب نمرور تا در آن یک نفس خلق را نیازاری. یا عیب زاکانی: مردی با سپری بلند به جنگ ملاحظه رفته بود از قلعه، سنگی به سرش زدند و سرش بشکستند برنجید و گفت: ای مردک کوری؟ سپر به این بزرگی نمی بینی، سنگ بر سر من می زنی؟! امیرزا باز هم به بر حرفی هاش راضی نشد و ادامه داد: از این نمونه ها بسیار داریم حالا نمی دونم چرا می گن ما طنز می خوایم چکار؟ نکته بعضی ها فکر می کنن این جماعت صغیرند و خود شون نمی فهمن! اونو باید بگن کی بخندیم، کی بخوابیم و کی کار کنیم. نمی دونم چرا ما یاد نمی گیریم بشنیم با هم گفتگو کنیم؟ هی پشت سر هم شاخ و شونه می کشیم و همین که بهم می رسیم ادای آدمای صمیمی رو در می آریم ای کاش ما کمی همدیگه رو تحمل می کردیم. امیرزا این حرفها رو زد و رفت. نمی دانیم، نکند امیرزا برود کار دست خودش بدهد چون خیلی دلخور بود.

- چون تا چند روز دیگر روز آزادی مطبوعات است، اینجانب این آزادی فرخنده را به آن خانواده مطبوعاتی تبریک می گویم و پیشنهاد می کنم تا پیش از این روز، چند روز دیگر هم برگزار شود نام آن را هم بگذارند شش چهره مطبوعات، مثلاً:
۱. روز نوشتن در مطبوعات
 ۲. روز شکایت از مطبوعات
 ۳. روز بازداشت (توقیف) موقت مطبوعات
 ۴. روز وثیقه برای آزادی مطبوعات
 ۵. روز دادگاه مطبوعات
 ۶. ... و بالاخره روز آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات

دیابت

عذر می خواهم اشتباه شده!

اصلاً چه معنی دارد که کسی چیزی بنویسد که یک جورایی شبیه به طنز در بیاید. اصلاً یعنی که چه در یک جمع جدی و فرهنگی کسی چیزی بگوید که بقیه بخندند و بعد از خنده هم کمی فکر کنند.
 من هم واقعاً از همه عذر می خواهم. جوان هستم و نادان. راستش را هم بخواهید با این همه آدم سنگین و با مزه، نوشتن یک سری مطلب لوس و بی مزه خیلی کار زشتی است. اصلاً مرا چه به نوشتن. همان درس خواندن و سرم در کار خودم بودن هم خیلی برایم زیاد است. در هر صورت عذر می خواهم اگر مزاحم اوقات شریفتان شدم.
 این جامعه جدی و فعال در هر زمینه را همان بیج و در گوشی حرف زدن و خود را به کوچکی علی چپ زدن تکلیف می کند. غلط کردم!

مرحوم مغفور ضدحال

از دفتر خاطرات یک جهانگرد آگالی گالیپور ماجراجوی بزرگ

ماجرا جوئیکه مکانهای بزرگ را زیر پا گذاشته و اکنون در جوامع کوچکتر پیدا شده تا سیری در مکانهای آنها بیاندازد.

صبح زود پس از خوردن صبحانه و قهوه به همراه چیتر گل پر پر و پوسیده ای را برداشتم و به سمت من آمد و تقریباً ۷ پود همه بچه ها را با بسیران پدر مشغول صحبت دیدم که با شاخه هایی از گل به مدرسه می رفتند.
 به یاد یکی از کشورها افتادم که با تولد نوزاد درختی کاشته می شود به این فکر افتادم که شاید در پیران رسم بر این است که بچه ها در یک روز خاص گل بکارند ولی با دیدن هدیه ها و بسته های کادو شده از این فکر خود به خنده افتادم چون کادو را که نمی شد کاشت.
 به همین علت به سراغ یکی از پدرها رفتم که دست پسرش را گرفته بود. از او در این باره سوال کردم او گفت که امروز روز معلم است و بچه ها به معلمانشان هدیه ای می دهند و از زحمات یکساله آنها تشکر می کنند.
 چیترا می خواست از درون باغچه گلی بردارد که با جیغ و فریاد زن همسایه رویرو شد او گل پر پر و پوسیده ای را برداشتم و به سمت من آمد و تقریباً ۷ پود همه بچه ها را با بسیران پدر مشغول صحبت دیدم که با شاخه هایی از گل به مدرسه می رفتند.
 می کرد و از او جوب می خواست تا برای معلم خود ببرد.
 طفلک مادر بچه نمی دانست که باید چه بکند. به بچه گفت من که نمی توانم خودم را کادو کنم. من منظور او را نفهمیدم و از پدر بچه سوال کردم و او جواب داد یعنی چاره ای ندارد توانایی خرید کادو را ندارند.
 فکرم به سوی بعضی از کشورهای رفتم در سفری که به آنجا داشتم روزی تحت عنوان روز معلم نداشتند و هر وقت که بخوانند کاردستی یا وسیله ای را که با فکر خود ساخته اند برای معلم به منظور قدردانی می برند.
 یا او به مدرسه رفتم تا بیشتر با مدرسه پیرانیان آشنا بشوم و الیزابت باراباسوفامیک

امرداد، مطبوعات و وضع کنونی آن در جامعه ما

اشاره:
 روز جهانی مطبوعات نزدیک است و نویسنده قصد دارد ضمن پاک کردن سبزی بر روی مطبوعات به بررسی وضع کنونی آن در پاک کردن شیشه ها بپردازد، و نیز نقش آن را در آینده بررسی کند.
 همانطور که می دانید جامعه ما که وارث فرهنگی غنی و پر بار است، باید بیش از پیش به مطبوعات چه کتاب، چه روزنامه و... اهمیت بدهد.
 اما آیا به راستی بزرگان و سیاست گزاران جامعه این کار را انجام داده اند؟!
 مطبوعات اکنون پدیده ای است متفاوت با آن چه پیشینیان در نظر و عمل خود با آن روپرو بودند.
 در یک نگاه به گذشته می بینیم مطبوعات جز در صنایع بسته بندی و یا تمیز نمودن شیشه ها کاربردی نداشته اند. به طور مثال، تحقیقی که در سال ۱۹۹۹ توسط مترید و همکارانش بر روی شیشه های پاک - آسمانراش ۱۲۰ طبقه انجام شد موید آن است که شیشه های ۱۴ طبقه از ۱۲۰ طبقه که با مطبوعات ورزشی یا (اکشن) پاک شده بود، بدون لک نبودند ولی ۲۶ طبقه آن که با مطبوعات فرهنگی تمیزی شده بود، همه به طور کامل پاک شده بودند و بقیه آن با مطبوعات سیاسی پاک شده بود که باعث خشن افتادن شیشه ها شده بود.

- سینما**
- تارزن و تارزان.....
 - آب و آتش.....
 - رابطه.....
 - پشت کنکوری خوشبخت:.....
 - همایش مشترک انجمن ها:.....
 - ۲ فیلم با یک بلیط.....
 - برخورد مسولان با بخش چکاچک:.....
 - خشم اژدها.....

بازار کوشنی

استند و اسفند دونه
 اسفند سی و سه دونه
 بترکه چشم حسود...

خانم آلب این هویج ها رو بگیرد بخوره
 بلکه چشم هاش برگرد سر جاش...

خاطریک سفر



بازنویسی و نگارش : آتوسا دیناریان

انابوس می راهد ای افتد ،آخرین پرتو های خورشید در حال محو شدن هستند .شب می آید .نگاهی به آسمان می اندازم . تا ذقایی دیگر نخستین تک ستاره را می توان دید . نگاه به جاده می اندازم و چشممان را برای لحظه می بندم . می خواهم همه آنچه را که در این سفر دیده ام ، شنیده ام و لمس کرده ام ، جاودانه سازم . اما چگونه؟ دفتر خاطراتم را باز می کنم و سعی می کنم واژگان را برای توصیف آنچه که دیده ام به کار گیرم . نگاهی به جاده می اندازم ، ناخود آگاه به یاد منظومه "آرش کمانگیر" می افتم ، چقدر به من نزدیک است : **برف می بارد ابرف می بارد برفی خار و خارا سنگ / کوه ها خاموش / دره ها دلدلت / اراه ها چشم انتظار کاروانی با صدای رنگ ...**

انابوس آرام و آهسته به جلو می رود . هر کدام از مسافران به چیزی می اندیشند ، شاید به آینده ، رویاها و آرزوهای ما و شاید به گذشته و خاطرات تلخ و شیرین آن . و من به آنچه دیده ام شنیده ام ، لمس کرده ام ، اندیشم .
...
بسیار در باره آن شنیده بودم . آتشکده ای بزرگ با آتش مقدس در کنار دریاچه ای زیبا . شنیده بودم که در موردش به نقل از کتابها می گفتند : اعتقاد گروهی بر این است که آتوزرتشت در کنار این دریاچه به دنیا آمده است . دریاچه ای که اکنون نیز در کنار آتشکده تدربا و با شکوه باقی است . سالها سعی کردم تصویر این آتشکده در ذهنم بسازم اما باید می دیدم ، باید می دیدم تا با تمام وجود غمظمت آن را در یابم . پس بار سفر بستیم برای سیاحت و زیارت مقصد ، آتشکده آذرگتسب .

نگاهم غروب به آذربایجان غربی رسیدم و از آنجا این شهرستان تکاب شدم برای گرفتن نشانی یک اقامت گاه ، در خانه ای را زدم . پیر مردی مرا به داخل دعوت کردو گفت اینجا قدمتی گاهی نیست اگر قابل می دانی مهمان باش .

در کسوتندم / مهربانی ها نمودند / زود گشتندم که دور از داستان خشم بر دم و سوز ، در کنار شعله آتش / قصه می گوید برای بیچه های خود ، غمو نوروز

با شنیدن نام مکانی که باید بروم ، احساس ناخوشایندی از خاطرات تلخ سه سال پیش ، بر ذهنم چیره می شود . تیرتراه دلخراش و ناراحت کننده ای روزنامه هایی که امروز دیگر نیستند جلوی چشمم زده می روند . بالایسر در کوی دانشگاه پارچه های بزرگ خوشامد گویی به مقام های مختلف کشوری زده شده است . ساعت ۳ پس از نیمرواست و جمعیت در نمایشگاه فرهنگ استان ها موج می زند . در بدو ورود به نمایشگاه ، نوای آهنگ های شاد و مردانی که با لباس های محلی با این آهنگ ها می رقصند ، احساس دلهره و اندوهم را به آرامش بدل می سازد و پس از پایان بازدید از نمایشگاه احساس رضایت ، غرور و امید به آینده ای روشن جایگزین تمام احساس های قبلی ام می شود .

در این نمایشگاه تمام استان های ایران با غرفه ای از صنایع دستی ، بوسترهایی از مکان های دیدنی و جاذبه های تاریخی و طبیعی استان خود ، پوشش های محلی و ... به معرفی فرهنگ استان خویسم می پردازند .

عرضه و فروش محصولات گوناگون از جمله خوراکی ها ، کارهای دستی ، کارت پستال ها ، بوسترها و بسیاری دستاوردهای دیگر ، اجازه نمی دهد که بازدید کنندگان با دستی خالی از نمایشگاه بیرون بروند .

از هر غرفه صدای آهنگی به گوش می رسد و آهنگ های محلی هر دیار ، در شاد بودن و شاد شدن بازدید کنندگان ، گوی سبقت را از هم می ربایند . بانوان و مردانی با پوشش های کاملا سنتی به پیشواز میهمانان می روند و با لهجه های شیرین محلی شان به پرسش های پاسخ می گویند . پوشش های بانوان ایران در یک چیز مشترک است استفاده از رنگ های شاد و زری دوزی های بی بدیل .

معرفی شخصیت های تاریخی و معاصر هر استان به وسیله ای عکس وزندگی نامه آن ها

ما این قصه نبود . افسانه و داستان نبود . واقعیتی بود که تاریخ ، آن را در سینه خود حبس کرده بود و نماد آن به یادگار مانده بود . پیر مرد لیوانی چای برام می آورد به خود می گویم و این واقعیت دارد هنوز در این مرز و بوم عشق ، مهربانی و اعتماد را می توان یافت .

هدف از سفرم را به پیر مرد می گویم . می گوید : صبح باید به تخت سلیمان بروی ، آنجا از هر کس سراغ آتشکده آذرگتسب آترا بگیرگی نشانت می دهند و آنجا هم مستقیم به سراغ "عزیز عاشقی" برو او حرف می دهد . چرا که تنها کسی است که بعد از جنگ جهانی دوم وقتی آلمان ها این آتشکده را کشف و حفاری می کردند در آن مرز و بود . او ۴۵ سال است که در این آتشکده خدمت می کند و ...

تا صبح زمان کمی است . دمی می آسایم بی شک فردا روز رسیدن به رویاهایم است . **گفته بودم زندگی زرباست / گفته و نا گفته / ای بس نکته ها کاینجاست** با بدرقه پیر مرد راهی می شوم احساس می کنم در چند قدمی آتشکده هستم سر انجام پس از ساعتی آتشکده آذرگتسب را می بینم . وارد می شوم و پیش از اینکه متصدی فروش بلیت توجهم را جلب کند ، پیر مردی ۸۰ ، ۸۵ ساله نظرم را به سوی خود می کشد که کلاه حصیری بر سر دارد . محو تماشا می می شوم ، برف پیری بد جوری چهره اش را پوشانده است . شرایط سخت آب و هوا نیز بر چوکی های صورتش افزوده است . بلیت می خرم و از متصدی فروش سراغ "عزیزعاشقی" را می گیرم . به پیر مرد اشاره می کند .

آری ، آری ، زندگی زرباست ، زندگی آتشگاهی دیرنده پا برجاست / گر بیغرویش ، رقص شعله آتش در هر کنر پیداست / اورنه خاموش است و خاموشی گناه ماست .

به سراغش می روم ، سلام و احوالپرسی می کنم . احساس می کنم فقط پاسخ میدهد ، احساس می کنم مرا نمی بیند . هنوز شک دارم ، که خود می گویم : من دیگر پیر شده ام ، نزدیک به ۵۰ سال است که در این آتشکده خدمت کرده ام و چند بار دست و صورتم را با آب همین دریاچه که آهک دارد شسته ام ، چشم هایم دیگر درست نمی بیند .

و آهسته تر می گوید : "شاید هم حالا در هنگامه پیروی باید با "دیده دل" ببینم . فضای آتشکده آرام است ، خشت ها و سنگ ها ، محل آتش ، دریاچه ای پر آب ، و یک نگاه کلی ، همین ها را می بینم . می پرسد : برای چه به اینجا آمده ای ؟ می گویم زرتشتی هستم و برای دیدن آتشکده آمده ام .

لیخنندی بر لباسش می نشیند ، دستانتش را جلو می آورد و می گوید : خوشحالم که کسی برای دیدن آتشکده آمده است و ادامه می دهد : خیلی ها به اینجا می آیند ، سراغ "کنج" را از من می گیرند ، خوشحالم که کسی به سراغ آمده است و در جستجوی گنج واقعی است .

نگاهی به دیوارها می اندازم ، به گفته او ، این سنگ ها از زمان هخامنشیان همچنان پایدار و استوار مانده اند . حالا انگار پیرمرد نیروی دوباره ای یافته است . خم می شود ، زمین را می بوسد و با صدای لرزان می گوید "درود بر نیاکان" .

بلند می شود . همراهش می شوم . دیگر نیازی به خود ایازه نمی کند . محل مستطیل شکلی بر روی زمین را به ما نشان می دهد و می گوید : اینجا را که از زیر خاک بیرون آورید ، همین طور سالم مانده بود و هیچگونه خاکستری پیدا نشد ، سپس محققان با وسائ ششانه آن این نتیجه رسیدند که سوخت این آتشکده "گل" بوده است .

حفاری های بیشتری که صورت گرفت ، لوله ای را که گاز را به آتشدان وسط آتشکده انتقال می داد ، یافتیم و فهمیدیم آتش این آتشکده همیشه روشن بوده و تابید جاودان خواهد بود . آرام آرام راه می رود و گاه برای رفتن دست ها را بر دیوار تکیه می کند . محلی دیگر نشان می دهد و می گوید : زمانی که شاهان و همراشانان به زیارت می آمدند از در شمالی وارد می شدند و اینجا جایگاهی است که آنان از اسب ها پیاده و تا منزل دوم را به صورت پا برهنه طی می کردند ، بعد دست و صورت خود را می شستند . شاه از در وسط و امراء و همراهان از در اطراف می آمدند و می شدند و دعای و نیایشی می کردند و بعد از در جنوبی خارج می شدند .

لحظه ای بسکوت همه جا را می گیرد . به گذشته می اندیشم ، به زمانی که این خشت ها سالم بودند و فروغ آتش گرمی بخش محل بود ،

دربار میدان جنگ باورها ، امروز جایگاه گفتگوی فرهنگ ها

پیمان سروش پور

اینچنین معرفی کرده بودند . بر سر در استان گلستان نامی از این استان برده نشده بود تنها ما شکر بودند : «ملک ایران یکی گلستان است نگه ما ملخ سرخ این گلستانیم» . بر سر درغرفه سمنان به نقل از گلشنایو ایلوحسن عرفانی نوشته بودند : «هر که در این سرا در آید ، ناآش حدید و آری ایماش مبرسید ، چه آنکس که بدین درگاه بازر و تعالی به کار آرز ، از جمله برخوان



بوالحسن به نان آرز ، در غرفه ای آذربایجان که پوستروای بیابکوه از قلعه ای بابک وجود داشت و در کنارش نقش برجسته ای از چهره ای بابک بر روی چوب ، به زبان آذری نوشته ای به این مضمون وجود داشت : «گوش من ، صدای فریاد ایل را می شناسد ، به فریادش جواب می فرماید ، فدای ایل می شوم ، خدایا ، به درستی که من نوهی بابک مقدس هستم .»

بر سر در دیار لاله های واژگون ، استان چهارمحال و بختیاری نوشته بودند : «به نام ایران خوش آمدید» . ایلام نیز به عنوان سرزمین طلوع خورشید ایران معرفی شده بود . و اما غرقه ای که خالی از احسام بود و نوشته با چند بوستر قاب شده بر دیوار ، در ابتدا بی ارزش می نمود ، بیش از هر غرقه ای دیگر تاثیر گذاشت . بر بالای این غرقه نوشته بودند : «به استواری و سختی ، رشک پولاد به راه عشق ، سر راه دانه بر بادقرین بیستون ، همسنگ فرهاد از کرمانشاهیان یاد این مسئله پیدا

می کنند . دانشجویان تهرانی با ناآوری خاصی ، تابلوهایی سه بعدی از تعلق ساخته و به وسیله آن مکان های مختلف تهران ، اصف ، گوه ها و فرهنگ های قسمت های مختلف این شهر را به نمایش در آورده بودند . این تابلوها سه بعدی ، کوپا ، زنده و طبیعی بودند و ناوتشن نوشتارهایی عامیانه در بالای سر عرکسک های کوچک این تابلوها ، امکان نشان دادن گویش های تهرانی و فرهنگ مردم آن بیشتر به دست آمده بود . عکس هایی از قدمی قدیمی این شهر ، از جمله مجسمه ای نمادین فردوسی و مدرسه ی قدیمی سپهسالار و ... به این فضا سازی کمک کرده بود .

در حال بازدید از نمایشگاه بودیم که متوجه شدیم مردم از برابر غرقه ای عبور می کنند و از دیگر نشانه های زرتشتی بود که در این غرقه ی بزرگ زرتشتیان اختصاص یافته بود .

پربمزر روانیان و فرنگس کولایانی با لباسی آبی سنتی زرتشتیان در غرقه به پرسش های زیاد مراجعه کنندگان با صبر و حوصله پاسخ می دادند و از مردم با آینه و گلاب و نقل پذیرایی می کردند . تصویر آشورزشت ، تصویر پیر سبز ، پیر نارستانه و فرور و چرم تصویر با نوشته های آشم هسو و وهرام بشت ، بزنت گر دیوارهای این غرقه بودند .

با توجه به نزدیکی به نوروز ، سفره هفت سین پهن شده بود و جام آتشدان ، ظرف مسی ، پارچه های بزرگی ، قندهای سبز و چند حلد کتاب درباره ی زرتشتیان و تقویم زرتشتی از دیگر نشانه های زرتشتی بود که در این غرقه نوشته به چشم می خورد . بر بالای این غرقه نوشته شده بود : **ما بزدی ها مکم ، خیلی خوش آمدید ، خن و باور باشد** .

هنگام خروج از نمایشگاه ، در میان جملات زیاد که بر پارچه ها نوشته بودند ، جمله ای کوتاه نظرم را جلب کرد ، به نظرم این جمله با تمام گویشی آن در توصیف این نمایشگاه بسیار گویا و بی نقص آمد :

ایرانی کوچک ، در دل تهرانی بزرگ .

پس از حدود شش ماه

با تعیین سردفتر، دفتر خانه ازدواج در تهران بازگشایی می شود



با تعیین موبد مهربان فیروزگری به عنوان سردفتر، پس از حدود شش ماه وقفه دفترخانه ازدواج در تهران در محل انجمن زرتشتیان تهران بازگشایی می شود.

اقدام کرده بود در مورد زمان بازگشایی این دفتر خانه گفت: امیدوارم با انجام مراحل پایانی، این دفتر خانه تا هفته آینده کار خود را آغاز کند.

مقام نخست برای کاریکاتور است



مسابقه ی فرهنگی-هنری رستم و سیمین به یاد بود روانشادان رستم دمپری و سیمیندخت هرمزدی از سوی سازمان فرهنگی اشپهن که دارنده ی یکی از بزرگترین پایگاه های اینترنتی زرتشتیان است برگزار می شود که تا کنون پنج دوره از این مسابقات برگزار شده است.

نتایج پنجمین دوره مسابقات فرهنگی-هنری رستم و سیمین که از سوی سازمان فرهنگی-هنری اشپهن با موضوع کاریکاتور برگزار شده بود، اعلام شد.

شرکت امرداد در نهمین نمایشگاه مطبوعات



هفته نامه امرداد امسال برای نخستین بار در نمایشگاه سالانه مطبوعات، شرکت می کند.

این نمایشگاه همزمان با پانزدهمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در محل دائمی نمایشگاه ها برگزار می شود.

تولدت مبارک... هر کودکی که به دنیا می آید پیام آرزو شادابی و طراوت و نشانه شوبر و امید و زندگی است.

ترجمه صدای پای آب برای ازبک ها



برای نخستین بار یکی از منظومه های سهراب سپهری به زبان ازبکی ترجمه شد.

بنیاد فرهنگی-هنری جمشید ثبت نام برای دوره جدید کلاسهای موسیقی آموزش کلبه سازهای ایرانی و کلاسیک و آواز توسط مجربترین اساتید موسیقی

دفتر اجرایی مهندسين، قویترین مشاور شما در امر ساختوساز آماده ایم تا ملک کلنگی یا زمین شما راه را مناطق ۱ تا ۷ با نظارت خود شما بصورت مشارکت یا پیمان مدیریت از مرحله تهیه نقشه ها تا مرحله صدور پایان کار زیر نظر مجرب ترین مهندسين با بهترین مصالح و در کوتاهترین زمان ساخته و تحویل نماییم

فرامرز ضیا طبری (وکیل پایه یک دادگستری) نشانی: خیابان آزادی، روبروی وزارت کار، کوچه بامدادان پلاک ۴۱ (داخل بن بست) تلفن: ۶۸۷۵۵۴۹

مستشرقان آزاد! او، روز بخیر، امرداد ۱۴؟ بازتاب پیام ها، پیشنهادها و انتقادهای شما پیام گیر امرداد روی خط ۸۸۲۴۸۰۶

شهریاری □ آقای قاضی مدیر دبیرستان فیروز بهرام بهرپسند که چرا از اولیاء مبالغ زیادی دریافت شده است؟

نام محفوظ □ مسولان انجمن زرتشتیان تهران درخواست دارم تا توجهی هم به باغ اوسون نکنند، چون تقریباً در حال تخریب است و کسی هم نه رسیدگی می کند و نه هزینه ای می شود در حالی که بهترین مکان برای گروه آمدن جوانان و همکیشان ورزشکار است.

بدون نام □ امرداد شماره ی پیش، در قسمت سخن نخست، تقسیم بندی آن از روی حروف ابجد صورت گرفته بود. چه اشکالی داشت که از ترتیب حروف الفبای خودمان استفاده می کردید؟ چون ابجد عربی است و از شما انتظار می رود با به کار بردن واژه های فارسی، آنها را رایج کنید.

دهنوی □ آیا خبر شدیم که قرار است آموزگاران دینی هر پایه با دانش آموزان به کلاس بالا تر بروند به همین خاطر فرزند من از هم اکنون نگران است!

یکی از اولیاء □ خواستم از مهمان نوازی مسولان باغ وقفی شیراز در طول تعطیلات نوروز سیاستگزاری کنم و پیشنهاد می کنم که اگر افراد بیشتری برای راهنمایی مسافران نوروزی آنجا باشند، بسیار بهتر است. در ضمن در پذیرشگاه اصفهان برخورد چندان مناسبی با ما صورت نگرفت.

بدون نام □ از مسولین سوال کنید چرا اینقدر ورزش جوانان برایشان مهم شده است؟ جوان بیکار دنبال ورزش نمی رود. چرا با این پول ها کارخانه و ... نمی سازید تا جوانان در آنجا ها کار کنند؟ از یزد

موبایل کامبیز مشاور املاک شما همکیشان در کرج رستم پرویزی تلفن: ۰۲۶۱-۲۵۰۶۰۱۸

مرکز اطلاعات املاک کرج بزرگ پارسیان تلفن: ۰۲۶۱-۴۴۱۴۹۶۳ آدرس: کرج-رجایی شهر فلکه اول

برای درج آگهی در امرداد با شماره تلفنهای: ۸۸۲۴۸۰۶-۷۸۰۰۳۵۹ تماس حاصل فرمایید

مشاور املاک شما همکیشان در کرج رستم پرویزی تلفن: ۰۲۶۱-۲۵۰۶۰۱۸ نشانی: کرج، عظیمیه، خیابان شمس پلاک ۱۷۰

راستین مسکن خرید، فروش و اجاره آدرس: یوسف آباد. میدان فرخ بخش (سلماتس) خیابان شهریار پلاک ۱۳۴ تلفن: ۸۰۲۳۴۴۲-۸۰۲۵۳۵۲

کولر اتومبیل ابراهیمیان نصب - تعمیر و شارژ کولر اتومبیل تلفن: ۷۴۱۷۹۹۴

پلاستیک سازی دهنادی تولید کننده انواع لوله های موپی و پروفیل پلاستیکی از ۱/۵ تا ۲۵ سانتیمتر نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج خیابان دارو بخش خیابان مهندس خودکار تلفن: ۰۲۶۲-۳۸۳۱۴۴۲

خدمات برق سیم کشی ساختمان نصب اف تایمر راه پله، هواکش

آجیل و خشکبار سرو قند سبز، شیرینیجات یزدی سوغات شهر ستانها تهیه مرغوبترین آجیل (لرک) جهت هر گونه مراسم در خدمت همکیشان گرامی می باشد کوی نصر (گیشا) نبش خیابان پانزدهم پلاک ۱۸۰ تلفن: ۸۲۷۴۳۶۵

اُمرداد هفته نامه (هم اکنون دو هفته یکبار) خبری، فرهنگی، اجتماعی صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جمشید کیومرثی سردبیر: آتوسا دیناریان صفحات میانی: زیرنگر، بوذرجمهر پررخیده مدیر هنری: کیخسرو خادم حروف آرا: بهاره کیومرثی مدیر آگهی ها: مژگان مژگانی لیتوگرافی و چاپ: کیان نشانی: خردمند شمالی، کوچه شماره ۲، پستی ۱۵۵۵۸ تلفن: ۸۸۲۴۸۰۶، شماره: ۸۸۲۵۲۱۲ مقالات چاپ شده الزاماً نظر امرداد نیست امرداد در پیرایش مطالب آزاد است. پست الکترونیک: amordad@hotmail.com